

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مدرسی معارف

گرایش مبانی نظری اسلام

عنوان:

مبانی انسان شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام با نگاه به مبانی حقوق بشر غرب

استاد راهنما:

حجه الاسلام دکتر رضا نوروزی

نگارنده:

ابجد کریمی

شهریور/۱۳۹۳

تأییدیہ هیأت داوران

تقدیم به:

پیشگاه اصول صفات کریمه و واسطه‌های فیض و رحمت الهی، ائمه معصومین علیهم‌السلام؛
بانوی با کرامت و فضیلت، حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام.

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای جل و جلاله را که به انسان کرامت بخشید، خویشتن را به ما شناساند و توفیق کسب دانش و معرفت عطا فرمود. در اینجا بر خود فرض می‌دانم که تقدیر و تشکر نمایم از:

محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان، به پاس قلب‌های بزرگشان و بخاطر تلاش‌های محبت‌آمیزی که در طول دوران مختلف زندگی‌ام انجام داده‌اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموختند؛

استاد فرهیخته و فرزانه جناب حجه الاسلام دکتر رضا نوری (زیدعه) که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛

تمامی اساتید بزرگوار که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند؛

همسر مهربانم که در تمام طول تحصیل همراه و همگام بوده و محیطی سرشار از سلامت و آرامش فراهم آورده است.

چکیده

از دیدگاه اسلام، انسان از کرامت و شرافت ویژه‌ای برخوردار است. کرامت انسان به لحاظ انسان‌شناختی، بر یک سری مبانی استوار است که از حیثیت والای انسان در هستی حکایت می‌کند. انسان کریم در اسلام برترین مخلوق خداوند معرفی شده است مخلوقی که به جهت داشتن روح الهی، خرد و برخورداری از نعمت‌های مادی و معنوی، در جهت قرب الهی سیر می‌کند. انسان با شرافت و کرامت، در این سیر به هدف والا می‌اندیشد؛ خود را اسیر دنیای محدود و فانی نمی‌سازد؛ اکتفا به لذت‌های وهمی را ظلم به رسالت انسانی خویش می‌داند و از هرگونه غرور و خودخواهی می‌گریزد؛ همت خویش را با ارزش‌های الهی همگون نموده و کرامتی بالاتر از کرامت ذاتی یعنی کرامت ارزشی را کسب می‌کند. اما حقوق بشر غرب، مبانی متفاوتی با آنچه برای کرامت انسان از دیدگاه اسلام دارد را تعریف می‌کند. در مبانی حقوق بشر غرب، که زیر بنای فکری آن را اندیشه‌هایی از قبیل اومانیزم، حقوق طبیعی، پوزیتویسم و پراگماتیسم، تشکیل می‌دهد؛ همه انسان‌ها به واسطه قدرت عقل و اختیاری که دارند، از یک نوع کرامت ذاتی و سلب نشدنی برخوردارند. انسان در اندیشه غرب موجودی مستقل، متکی به خود و دارای موجودیتی از آن خود تلقی شده است که به هیچ قدرتی وابسته نبوده و از هیچ نیروی مافوق استمداد نمی‌جوید. در این پایان نامه، ضمن بررسی مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان، به ارزیابی مبانی حقوق بشر غرب می‌پردازیم که براساس دیدگاه اسلام، مبانی همچون اومانیزم، پوزیتویسم و پراگماتیسم که مبنای فرهنگ غرب در حقوق بشر شده است، مورد نقد قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: انسان، کرامت، حقوق بشر، مبانی کرامت

فهرست مطالب:

مقدمه	۱
۱. تبیین موضوع	۲
۲. اهمیت موضوع	۲
۳. اهداف پژوهش	۳
۴. پرسش‌های پژوهش	۳
۵. فرضیه‌های تحقیق	۳
۶. پیشینه تحقیق	۴
۷. سیر بحث	۵
۸. واژه‌شناسی	۵
فصل اول: مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام	۸
۱-۱. مقدمه	۹
۲-۱. بخش اول: مفهوم کرامت	۹
۱-۲-۱. چیستی و اصل کرامت	۹
۲-۲-۱. انواع کرامت	۱۰
۱-۲-۲-۱. کرامت ذاتی	۱۰
۲-۲-۲-۱. کرامت ارزشی	۱۱
۳-۱. بخش دوم: مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان	۱۲
۱-۳-۱. دوساحتی بودن انسان (جسم و روح)	۱۲
۱-۱-۳-۱. جسم انسان	۱۳
۱-۱-۳-۱-۱. آفرینش انسان نخستین	۱۳
۲-۱-۳-۱. نظریه ثبوت انواع (فیکسیسم)	۱۵

- ۱۶-۱-۳-۱ نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) ۱۶
- ۱۶-۱-۳-۱ دلائل فرضیه تکامل ۱۶
- ۱۷-۱-۳-۱ آفرینش سایر انسانها ۱۷
- ۱۸-۱-۳-۱ ماده خلقت سایر انسانها ۱۸
- ۲۰-۱-۳-۱ روح انسان ۲۰
- ۲۱-۱-۳-۱ حقیقت روح در قرآن ۲۱
- ۲۴-۱-۳-۱ حقیقت روح از نگاه فیلسوفان: ۲۴
- ۲۵-۱-۳-۱ تفاوت روح و نفس ۲۵
- ۲۶-۱-۳-۱ دلایل عقلی وجود روح ۲۶
- ۲۸-۱-۳-۱ کرامت و شرافت انسان به روح او ۲۸
- ۳۰-۱-۳-۱ خلافت الهی ۳۰
- ۳۰-۱-۳-۱ اعلام خلافت انسان در قرآن ۳۰
- ۳۳-۱-۳-۱ مقصود از خلیفه و خلافت ۳۳
- ۳۵-۱-۳-۱ عمومیت خلافت انسان ۳۵
- ۳۷-۱-۳-۱ مراتب خلافت ۳۷
- ۳۸-۱-۳-۱ خلافت الهی و خلافت شیطانی ۳۸
- ۳۹-۱-۳-۱ امانتداری انسان مبنای خلافت ۳۹
- ۴۱-۱-۳-۱ کرامت انسان مرهون مقام خلافت الهی ۴۱
- ۴۲-۱-۳-۱ ارتباط کرامت ذاتی و سجده فرشتگان بر آدم ۴۲
- ۴۴-۱-۳-۱ خردوزی ۴۴
- ۴۴-۱-۳-۱ مراد از خرد و عقل ۴۴
- ۴۶-۱-۳-۱ ساختار معرفتی انسان ۴۶
- ۴۷-۱-۳-۱ جایگاه عقل ۴۷

۴۸ آثار خردورزی ۴-۳-۳-۱
۵۰ خردورزی و کرامت از نگاه فلاسفه ۵-۳-۳-۱
۵۰ معنای عقلانیت در اندیشه ملاصدرا ۱-۵-۳-۳-۱
۵۱ نسبت عقلانیت و علم ۲-۵-۳-۳-۱
۵۱ پشتوانه ارزشی عقلانیت ۳-۵-۳-۳-۱
۵۲ اختیار ۴-۳-۱
۵۲ معانی اختیار ۱-۴-۳-۱
۵۴ فرق اختیار با اراده ۲-۴-۳-۱
۵۵ اختیار و کرامت ارزشی انسان ۳-۴-۳-۱
۵۶ مبانی اختیار ۴-۴-۳-۱
۵۶ شناخت ۱-۴-۴-۳-۱
۵۷ میل و گرایش ۲-۴-۴-۳-۱
۶۰ قدرت ۳-۴-۴-۳-۱
۶۲ آزاد و یا آزاد نما ۵-۴-۳-۱
۶۲ جبر ۱-۵-۴-۳-۱
۶۴ تفویض ۲-۵-۴-۳-۱
۶۵ امر بین الامرین ۳-۵-۴-۳-۱
۶۵ تسخیر جهان ۵-۳-۱
۶۵ معنای تسخیر ۱-۵-۳-۱
۶۷ بیان آیات قرآن کریم ۲-۵-۳-۱
۷۰ رابطه تسخیر جهان با کرامت انسان ۳-۵-۳-۱
۷۰ جمع بندی و خلاصه:
۷۲ فصل دوم: مبانی حقوق بشر غرب

۷۳	۱-۲-۱. مقدمه
۷۳	۲-۲-۱. بخش اول: مفهوم حقوق بشر غرب
۷۳	۲-۲-۱. مفهوم حقوق
۷۴	۲-۲-۲. تفاوت دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن»
۷۴	۲-۲-۲. تعریف حقوق بشر
۷۵	۲-۲-۳. نگاهی به تاریخ تدوین حقوق بشر
۷۶	۲-۳-۱. حقوق بشر دوره باستان تا قرون وسطا
۷۷	۲-۳-۲. حقوق بشر در دروه قرون وسطا
۷۹	۲-۳-۳. حقوق بشر قرون بیستم و معاصر
۸۱	۲-۲-۴. انگیزه تدوین حقوق بشر
۸۱	۲-۲-۵. نسل‌های متفاوت حقوق بشر
۸۲	۲-۳-۱. بخش دوم: مبانی حقوق بشر غرب
۸۳	۲-۳-۱. اومانیزم
۸۳	۲-۳-۱-۱. تاریخچه پیدایش
۸۳	۲-۳-۱-۲. مفهوم اومانیزم (انسان گرایی)
۸۴	۲-۳-۱-۳. اصول فکری:
۸۷	۲-۳-۱-۴. اومانیزم و حقوق انسانی
۸۸	۲-۳-۲. حقوق طبیعی یا فطری
۸۹	۲-۳-۱. مفهوم سنتی حقوق طبیعی
۹۰	۲-۳-۲. مفهوم جدید حقوق طبیعی
۹۲	۲-۳-۳. مبنای اعتبار قوانین در حقوق طبیعی
۹۳	۲-۳-۴. معیار تعیین مصادیق حقوق طبیعی
۹۴	۲-۳-۵. حقوق طبیعی و دموکراسی

- ۹۴ ۲-۳-۲-۶. حقوق طبیعی و مقاومت در برابر فشار دولت
- ۹۵..... ۲-۳-۳. پوزیتویسم (اثبات‌گرایی)
- ۹۶ ۲-۳-۳-۱. پیدایش اندیشه اثبات‌گرایی
- ۹۷ ۲-۳-۳-۲. مفهوم اثبات‌گرایی
- ۹۷ ۲-۳-۳-۳. ویژگی‌های اثبات‌گرایی
- ۹۸ ۲-۳-۳-۴. اثبات‌گرایی جامعه‌شناختی
- ۹۹..... ۲-۳-۴. پراگماتیسم (مصلحت‌گرایی)
- ۹۹ ۲-۳-۴-۱. پراگماتیسم و حقیقت
- ۱۰۱..... ۲-۳-۴-۲. پراگماتیسم و حقوق بشر
- ۱۰۲..... ۲-۴-۴. بخش سوم: اصول پایه‌گذار حقوق بشر
- ۱۰۲..... ۲-۴-۱. بند اول اصل حیثیت و منزلت انسانی
- ۱۰۵..... ۲-۴-۲. بند دوم آزادی
- ۱۰۸..... ۲-۴-۳. بند سوم: اصل برابری
- ۱۱۲..... ۲-۴-۴. بند چهارم: اصل برادری
- ۱۱۲..... جمع بندی و خلاصه:
- ۱۱۴..... فصل سوم: مقایسه مبانی کرامت انسان از دیدگاه اسلام با نگاه به مبانی حقوق بشر غرب
- ۱۱۵..... ۳-۱. مقدمه
- ۱۱۵..... ۳-۲. نقد و بررسی اومانیزم
- ۱۱۵..... ۳-۲-۱. افراط در خودکفایی عقل
- ۱۱۶..... ۳-۲-۲. آزادی بی حد و حصر
- ۱۱۷..... ۳-۲-۳. پوچگرایی
- ۱۱۸..... ۳-۲-۴. تسامح و تساهل
- ۱۱۹..... ۳-۲-۵. تناقض اندیشه و عمل

- ۳-۳. نگاهی به حقوق طبیعی یا فطری ۱۱۹
- ۳-۳-۱. ابهامات حقوق طبیعی ۱۲۰
- ۳-۳-۲. تکیه بر هست‌ها بدون توجه به ارزش‌های انسانی ۱۲۱
- ۳-۳-۳. نادیده انگاشتن تکلیف و مسئولیت ۱۲۱
- ۳-۳-۴. خردگرایی افراطی ۱۲۲
- ۳-۴. نقد پوزیتویسم ۱۲۲
- ۳-۴-۱. تجربه حسی معیار حقیقت ۱۲۲
- ۳-۴-۲. تقویت خودکامگی ۱۲۳
- ۳-۴-۳. فاصله گرفتن از اخلاق ۱۲۳
- ۳-۵. نقد پراگماتیسم ۱۲۴
- ۳-۵-۱. تردید در حقیقت ۱۲۴
- ۳-۵-۲. اعتباری بودن حقوق ۱۲۴
- ۳-۵-۳. فروپاشی نظم شایسته اجتماعی ۱۲۵
- ۳-۶. دیدگاه‌های متفاوت در اصول پایه‌گذار حقوق بشر ۱۲۵
- ۳-۶-۱. کرامت ۱۲۵
- ۳-۶-۲. آزادی ۱۲۷
- ۳-۶-۳. برابری منزلت اقوام و قبایل ۱۳۰
- ۳-۶-۴. برادری ۱۳۰
- ۳-۷. نتیجه‌گیری ۱۳۲
- فهرست منابع: ۱۳۴

مقدمه

۱. تبیین موضوع

کرامت و شرافت انسانی از مسائلی است که همواره از سوی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است و مطالب فراوانی در مورد آن ایراد شده است. در دین مبین اسلام نیز کرامت انسانی اهمیت بسزایی داشته و تاکید فراوانی روی این مسئله شده است. انسان از دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی برخوردار است. اولین نوع کرامت موهبتی از جانب پروردگار برای همه انسان‌ها بوده، اما کرامت اکتسابی و ارزشی در سایه تقوای الهی تحصیل می‌شود. این کرامت بر مبانی مختلف هستی‌شناسی و انسان‌شناسی استوار است. از جمله مبانی انسان-شناختی کرامت انسان در اسلام، دوساحتی بودن اوست به این معنی که انسان از جسم خاکی و روح افلاکی ترکیب شده است. از دیگر مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان که در این رساله مورد بحث قرار گرفته است، خلافت الهی، خردورزی و اختیار انسان است که بر اساس آیات و روایات تبیین می‌شود.

کرامت و ارزش انسان در حقوق بشر غرب، ظاهراً مورد توجه قرار گرفته است و آن را از حقوق طبیعی انسان اخذ می‌کند. فرهنگ غرب برای انسان‌ها یک نوع کرامت ذاتی قائل است اما از کرامت ارزشی که انسان‌ساز بوده، خبری نیست. جایگاه تعریف شده، مبتنی بر تفکراتی همچون اومانستی، پوزیتیویسمی و پراگماتیسمی است که با اندیشه الهی و دینی همگونی و سازگاری ندارد.

بر اساس توضیحات فوق، این رساله عهده‌دار تبیین مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان و نقد و بررسی مبانی حقوق بشر غرب بر اساس مبانی اسلامی میباشد که این نقدها، عمدتاً ناظر به عدم توجه به مبانی متعالی انسان‌شناختی می‌باشد.

۲. اهمیت موضوع

تبیین مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام در جوامع بشری ضروری و مهم به نظر می‌رسد چرا که تفکر انسان‌محوری غرب درباره حقوق بشر، انسان را به بیراهه و انحراف از کمال واقعی خویش می‌کشاند. امروزه شاهد حمله‌هایی هستیم که به اسم حقوق

بشر، کرامت انسانی را مورد هدف قرار داده است و برای رسیدن به منافع خویش، حیثیت ذاتی انسان را به دلخواه تفسیر می‌کنند. فلذا انجام چنین تحقیقی مهم و ضروری است.

۳. اهداف پژوهش

هدف از انجام تحقیق، تبیین مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام و ارزیابی مبانی حقوق بشر غرب، بر اساس اندیشه اسلام می‌باشد که بصورت مدون و منسجم در قالب یک رساله، بتواند مورد استفاده قرارگیرد.

۴. پرسش‌های پژوهش

سوالات اصلی:

- ۱- مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام چیست؟
- ۲- حقوق بشر غرب و مبانی آن چه اندازه با انسان‌شناختی اسلام در بحث کرامت انسان، سازگار است؟

سوالات فرعی:

- ۳- جایگاه انسان از دیدگاه اسلام چیست؟
- ۴- حقوق بشر غرب بر چه مبانی استوار است؟

۵. فرضیه‌های تحقیق

- ۱- از دیدگاه اسلام، مبانی مختلفی برای کرامت انسان وجود دارد. دوساحتی بودن انسان (روح و جسم)، مقام خلافت الهی، خردورزی و قدرت تعقل و مختار بودن انسان از جمله مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان می‌باشد.
- ۲- کرامت ذاتی انسان مسئله‌ای است که حقوق بشر غرب نیز به آن اذعان دارد اما با مطالعه و بررسی مبانی حقوق بشر غرب، به این نتیجه می‌رسیم که مبانی فوق با دین مبین اسلام سازگار نیست زیرا مبنای کرامت غربی، غیرالهی بوده و حول محور انسان می‌چرخد.
- ۳- انسان در اندیشه اسلامی صرف‌نظر از متغیرهایی چون رنگ، نژاد، زبان و جنسیت از کرامت برخوردار است و این استعداد را دارد که به مقام خلافت الهی دست یابد. فلذا از کرامت ذاتی برخوردار است.

۴- اومانيسم، حقوق طبيعى، پوزيتويسم و پراگماتيسم از جمله مباني انسان‌شناختى حقوق بشر غرب مى‌باشد.

۶. پيشينه تحقيق

از آنجاى كه كرامت انسان يكي از مباحث مهم انسان‌شناسى است، فلذا در اين زمينه كارهاى علمى متعددى صورت گرفته است. فلاسفه بزرگ اسلامى درباره كرامت و مباني آن مطالبى ارائه نموده‌اند. به عنوان مثال مى‌توان نظرات حكيم ملاصدرائى شيرازى را در اين باره در اثر علمى بزرگ خويش، اسفار اربعه مشاهده نمود. مفسران قرآن كريم نيز به تناسب آيات مربوطه مخصوصاً آيه هفتاد سوره اسراء، مطالب جزئى را مطرح نموده‌اند اما صاحب تفسير الميزان، مباحث بيشتري در زمينه كرامت انسان مطرح مى‌كند. همچنين استاد جوادى آملئى كتابى مستقل در زمينه كرامت انسان در قرآن، تاليف نموده است. البته هدف كتاب مذکور بيان مباني كرامت نيست. دانشمندان زيادى نيز بحث كرامت را در لابلای مباحث انسان‌شناسى و به عنوان بخشي از كتب شناخت انسان، مورد اشاره قرار مى‌دهند. از آن جمله مى‌توان به كتب انسان در قرآن، تعليم و تربيت در اسلام و فلسفه اخلاق استاد شهيد مطهرى اشاره كرد.

از كارهايى كه به مباني كرامت انسان پرداخته است مى‌توان به سلسله مقالاتى اشاره كرد كه در همایش بين‌المللى امام خمينى (ره) و قلمرو دين (سال ۱۳۸۶ ه.ش)، ارائه شده است. همچنين آقاى يداالله بهروزپور كتابى تحت عنوان كرامت انسان در قرآن تاليف کرده است كه در آن كتاب نيز به ماهيت و مباني كرامت پرداخته شده است.

در زمينه مباني حقوق بشر غربى نيز كتب مختلفى از سوي انديشمندان به رشته تحرير آمده است كه در نگارش فصل دوم اين رساله از آنها استفاده شده است. از جمله آنها مى‌توان به كتب حقوق بشر تاليف آقاى كريستيان تاموشات و فلسفه حقوق نوشته آقاى مارک تيبت اشاره كرد.

اما راجع به بحث مقايسه، آنچه كه بيشتر مورد ارزيابى قرار گرفته است، حقوق بشر اسلامى و حقوق بشر غربى مى‌باشد كه از جمله آنها مى‌توان به اين كتب اشاره كرد:

حقوق بشر جهانى استاد محمدتقى جعفرى؛ مباني حقوق بشر از ديده‌گاه غرب و اسلام تاليف استاد مصباح يزدي؛ نقد مباني اومانيسمى حقوق بشر تاليف آقاى هادى وكيلى.

همچنين مقالات مختلفى در اين زمينه نگاشته شده است كه در آثار مذکور گوشه‌اى از ابعاد رساله بحث شده است. لذا به صورت مفصل و مدون نيازمند به تحقيق جداگانه مى‌باشد.

۷. سیر بحث

در این رساله، پس از بیان مقدمات ضروری در تبیین موضوع و اهداف آن، به مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان می‌پردازیم. فصل اول شامل دو بخش می‌شود. در بخش اول چستی و اصل کرامت انسانی بیان شده، سپس در بخش دوم، مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام تبیین می‌گردد. فصل دوم نیز ضمن سه بخش به ارزیابی مبانی حقوق بشر غرب می‌پردازد. در بخش اول این فصل، مفهوم حقوق و تاریخ تدوین حقوق بشر؛ در بخش دوم، مبانی حقوق بشر غرب و در بخش سوم اصول پایه‌گذار حقوق بشر را بررسی می‌کنیم. فصل سوم، مقایسه و نقد دیدگاه حقوق بشر غرب براساس دیدگاه اسلام خواهد بود.

۸. واژه شناسی

انسان

کلمه انسان، یک واژه عربی است و به آن اسم جنس نیز اطلاق می‌شود به این معنا که استعمال آن برای مرد و زن یکسان است در ریشه و اصل واژه انسان، بین لغت‌شناسان اختلاف وجود دارد. عده‌ای آن را از ریشه «انس» گرفته و برخی هم از «نسی» به معنای فراموشی، می‌دانند.

راغب اصفهانی در «مفردات الفاظ قرآن»، وجه نامگذاری آن را چنین می‌نویسد: «بدین جهت انسان گفته شده است که قوام انسان در انس گرفتن برخی از ایشان با برخی دیگر است»^۱

اما فراهیدی در کتاب «العین»، دلیل نامگذاری انسان را فراموش‌کار بودن او، بیان می‌کند. در تائید مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که ایشان می‌فرمایند:

«سمى الإنسان إنساناً لأنه ينسى و قال الله عزوجل و لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ»^۲
انسان، انسان نامیده شده، به دلیل اینکه فراموش‌کار است و خداوند بلند مرتبه، فرمود به تحقیق آدم عهد خویش با خدا را فراموش کرد.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم، چاپ اول،

۱۴۱۶ ه.ق.، ذیل واژه «انس».

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، (۱۴۰۳ ه.ق.)، باب ۳۸، ج ۵۷ ص ۲۶۴.

انسان شناسی

بدون تردید علوم انسانی با شناخت انسان به دست می‌آید و از لازمه‌های علوم انسانی «انسان شناسی» است. فرهنگ بزرگ سخن، انسان‌شناسی را چنین معنا می‌کند: «شناخت ماهیت انسان و جنبه‌های مختلف شخصیت او از طریق دانش‌های لازم».^۱ در تعریفی که برای انسان-شناسی ارائه شده، حدود آن بیان می‌شود: «هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان، بعد یا ابعادی از وجود او یا گروه و قشر خاصی از انسانها می‌پردازد می‌توان انسان‌شناسی نامید».^۲ همچنین، مباحث انسان‌شناسی را در چهار حوزه تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی مورد بحث قرار می‌دهند.

کرامت

از نظر لغت، کرامت با واژه‌های کریم و کرم هم خانواده بوده و به معانی مختلفی از قبیل بزرگواری، ستوده و گرمی‌داشته‌شده، آمده است. در ذیل به نمونه‌هایی از کاربرد این واژه در فرهنگ لغات عربی و فارسی اشاره می‌شود:

- داشتن صفات پسندیده؛ بزرگواری؛ شرافت؛^۳

- احترام؛ عزت؛ بزرگداشت؛^۴

- کرم در مقام توصیف انسان به معنای خوی و کردار ستوده است که بالفعل از او ظاهر گردد؛^۵ کریم کسی است که خویشتن خویش را از آلودگی به هر آنچه که مخالفت و عصیان‌پروردگار است منزّه و دور می‌دارد.^۶

به لحاظ اینکه موضوع رساله، مباحث حقوق بشر غرب را نیز در بر می‌گیرد، اشاره‌ای به استعمال آن در زبان و لغت انگلیسی، می‌کنیم. واژه معادل کرامت، در متون حقوق غرب، کلمه «Dignity»^۷ است. این واژه به معنای بزرگی، شرافت، منزلت، ارزش و شان می‌باشد.^۱

۱. حسن انوری (به سرپرستی)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، (۱۳۷۸)، ج ۶، ص ۶۱۸.

۲. محمود رجبی، انسان‌شناسی، چاپ چهارم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۱۶.

۳. فرهنگ سخن، ذیل «کرم».

۴. همان، ص ۵۷۷۵.

۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات الفاظ القرآن، ذیل «کرم».

۶. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والاثار، تصحیح محمود محمد طنّاحی، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی

اسماعیلیان، (۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۵۳۵.

7. the state or quality of being worthy of honour or respect.

در دایره‌المعارف انگلیسی آکسفورد آمده: « واژه کرامت (Dignity) از عبارت لاتینی «dignitas» گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار، و استحقاق احترام آمده است»^۱ و برای کرامت انسانی از این عبارت استفاده میشود: «human dignity».

حقوق بشر

در مسئله حقوق بشر، قدم نخست، حق‌شناسی است و از آنجائیکه تعریف‌های مختلفی از این کلمه شده است برای حل تعارض و تزام حقوق، باید به آنها پرداخته شود. کلمه «حق»، واژه عربی است و فرهنگ‌نامه‌ها بیش از ده معنا را برای این کلمه، برشمرده‌اند. معانی همچون اعتقاد مطابق با واقع، کار مطابق با واقع، راست، ثبوت، موجود ثابت، واجب، عدل، بهره، سهم و سخن مطابق با واقع، از معانی واژه «حق» می‌باشد.^۲ فرهنگ فارسی سخن این معنا را نیز اضافه می‌کند: «آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع، یا قانون، اختیار و امکان برخوردار از آن یا تصاحب آن را دارد».^۳ در معانی یاد شده مفهوم پایداری و ثبات نهفته است اما مفهوم اصلی و جامع واژه «حق» در کاربرد مصدری «ثبوت» و در کاربرد وصفی «ثابت» می‌باشد^۴ و به لحاظ وجود ثابت خداوند، انحصار حقانیت در او می‌باشد.

بشر در لغت به معنای انسان است. آدمی را نسبت به فضائل و کمالات و استعدادهایش انسان و نسبت به جسد و ظاهر بدن و شکل ظاهرش، بشر می‌گویند. راغب اصفهانی می‌گوید: «بشر» ظاهر پوست بدن و «آدمه» باطن آن است و به انسان از آن جهت بشر گفته‌اند که پوستش از میان مو آشکار و نمودار است؛ برخلاف حیوانات که پشم و مو و کرک پوست بدنشان را مستور کرده است. قرآن در هر جا که جسد و شکل ظاهری انسان مراد بوده، لفظ بشر را آورده است؛ مانند ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا﴾^۵ صاحب قاموس «بشر» را انسان و ظاهر پوست بدن معنا کرده و در اقرب الموارد آمده است: «بشره ظاهر پوست، جمع آن بشر است».

۱. فرهنگ معاصر هزاره.

2. Oxford English encyclopedi.

۳. رک: مصباح المنیر، معجم مفردات الفاظ قرآن، فرهنگ بزرگ سخن.

۴. فرهنگ بزرگ سخن، ذیل «حق».

۵. رک: عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام. چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء (۱۳۸۵)، ص ۲۳.

۶. فرقان/ ۵۴.

فصل اول:

مبانی انسان‌شناختی کرامت انسان از دیدگاه اسلام